



## چارلز اسپنسر چاپلین چارلی چاپلین

(از آغاز تا پایان)

● حسین تقی پور

بی شک چارلی چاپلین یکی از محبوب ترین و مشهورترین کمدینهای تاریخ سینما است. فیلمهای او پس از گذشت سالها همچنان جذاب و دیدنی باقی مانده اند. چارلز اسپنسر چاپلین یا چارلی چاپلین شانزدهم آوریل سال ۱۸۸۹ در خانواده ای اهل تئاتر در حومه شهر لندن متولد شد. والدینش هر دو خواننده و بازیگر وارثه های انگلیسی بودند. وی در کتاب خاطراتش می نویسد:

«پدرم بازیگر نقشهای موزیکال بود. سردی ساکت و الفروده که چشمان تیره ای داشت. مادرم می گفت او به ناپلئون شبیه است. صدای نرم و رسایی داشت و مشهور بود به این که بازیگر خوبی است.»

و درباره ی مادرش می نویسد: «او نیز در صحنه های تئاتر نقشهای کم و بیش کمدی بازی می کرد، پیانو می نواخت و آواز می خواند. با این که زیباییش بی نظیر نبود، اما در نظر ما آسمانی جلوه می کرد. من و سیدنی - برادر ناتنی چارلی - او را به حد پرستش دوست می داشتیم.» یک سال پس از تولد چارلی والدینش از یکدیگر جدا شدند. «پدرم بدبختانه مشروب زیاد می خورد و مادرم می گفت به همین دلیل از هم جدا شدند.» به این ترتیب دوران سخت زندگی آنها آغاز شد. درآمد مختصر مادر کفاف خرج و مخارجشان را نمی داد و از سویی به دلیل بیماری، دیگر قادر به ایفای نقش نیز نبود. چارلی و سیدنی در محیطی رشد کردند که از نزدیک فقر و گرسنگی را لمس می کردند. با وخامت بیماری مادر، آنها ناچار شدند به نوانخانه پناه ببرند.

«چاره ی دیگری نبود: (مادرم) خرج دو بچه را به گردن داشت و مزاجش هم علیل بود. بنابراین تصمیم گرفت هر سه به نوانخانه «لامبت» برویم و همان جا بمانیم.» چارلی در بیان خاطرات خود از آن دوران به تلخی یاد می کند:

«من و سیدنی خیلی زود خودمان را با زندگی نوانخانه عادت دادیم ولی غم و غصه هم زیاد خوردیم. زندگی ما سخت بوی غربت و تنهایی می داد و محیط آن جا بسیار غم انگیز بود.» فاجعه ی دردناک زندگی چارلی در کودکی، سپردن مادرش به بیمارستان است.

«باور نکردم. گریه نکردم، ولی فکرش مرا از پا درآورد. چرا چنین چیزی روی داده بود؟»

چگونه مادرم که زنی به آن شادابی و زنده دلی بود دیوانه شده بود؟ در آن حالت یاس و اندوه او را در نظر مجسم می کردم که پیش از اینکه به درون خلاء جون کشیده شود با نگاهی تاثیرگذار به من نگاه می کند.»

به حکم دادگاه، چارلی و سیدنی مدتی را با پدرشان زندگی کردند، تا این که حال مادر روبه بهبودی گذاشت و آنها مجدداً نزد او بازگشتند. چارلی هفت ساله به گروه رقصندگان «لانگ شایر» می پیوندد و برای اجرای نمایش های موزیکال راهی شهرهای مختلف می شود.

«راستش اصلاً علاقه نداشتم که تنها یک رقصنده باشم. مثل همه آرزو داشتم نقش منفردی بازی کنم و این نه تنها به خاطر آن بود که پول بیشتری نصیب می کرد، بلکه از روی غریزه احساس می کردم که این کار راضی کننده تر از پایکوبی صرف و ساده است. دلم می خواست کمدین بودم.»

پس برای تحقق آرزوی خود گروه «لانگ شایر» را ترک کرد. مرگ پدر بر اثر افراط در میگساری و شروع مجدد بیماری مادر به دوران رفاه کوتاه خانواده پایان داد و چارلی آواره خیابان ها شد. مادرش از ناراحتی عصبی رنج می برد و او مجبور بود برای تأمین مخارج خانواده تلاش نماید. کارهای مختلفی انجام داد: روزنامه فروشی، واکسی، کار در آرایشگاه، چاپخانه و ... بسیاری دیگر. اما هرگز از اندیشه ی بازیگری غافل نماند. در دوازده سالگی از سوی دفتر نمایندگی نمایشهای «بلک مور» برای بازی در چند نمایشنامه دعوت می شود:

«از خوشحالی سر از پا نمی شناختم. ناگهان از یک زندگی فقیرانه نجات پیدا کرده، به رویایی رسیده بودم که مدت ها بود سودای آن را در سر داشتم، رویایی به حقیقت پیوسته که مادرم بارها از آن با من سخن گفته و از طرح آن لذت برده بود. من بازیگر تئاتر می شدم.»

چارلی تا هفده سالگی که به گروه نمایش سیار «فردکارنو» پیوست، نقش های مختلفی بازی کرد و مدتی نیز به نمایشنامه نویسی روی آورد، هرچند در این زمینه توفیقی کسب نکرد. او در سفرهایی که برای اجرای نمایش به شهرهای مختلف داشت همواره از تنهایی رنج می برد. وی هرگز نتوانست با افراد گروه ارتباط برقرار سازد و همیشه از آنها گریزان بود.

«اکنون به آن سن بحرانی و ناراحت کننده ی جوانی رسیده بودم. آدمی رویایی که اشکم در مشکم بود و از زندگی پکر بودم، ضمن این که آن را می پرستیدم، فکر و روح من هنوز در پیله ای بود که گاهی بلوغ و پختگی، با جهش های ناگهانی از آن سر برمی کشید.»

حضور چارلی در گروه کارنو موفقیت او را به عنوان یک بازیگر خلاق تثبیت کرد و پس از

مدتی تبدیل به «ستاره» نمایش های کارنو گردید. «به مرز نوزده سالگی نزدیک می شدم و در گروه کارنو بازیگر موفق کمدی بودم، ولی چیزی در زندگی کم و کسر داشتم. برنامه ی روزانه ام رنگ و بویی نداشت و محیط زندگی ام ملال آور و یکساخت بود. دلمشغولی به کاری که جان کندن محض بود آن هم برای معاش و سرپناه راضی کننده نبود. زندگی پستی بود و قهی از جاذبه و کشش.»

چارلی به همراه گروه «کارنو» دو بار به آمریکا سفر کرد و در نمایشهای وودویل (سرگرمی های سبک) که موفقیت روزافزونشان تا حدود زیادی مدیون سبتهای تالارهای موسیقی انگلیسی بود شرکت جست. او به زودی به خاطر اجرای نقش مردی دایم الخمر و بدخو که بسته به واکنش تماشاگران ماجراهای آن مدام تغییر می کرد شهرت بسیاری به دست آورد.

در سفر دوم چارلی به آمریکا، که سه سال طول کشید توسط «مک سنت» برای بازی در فیلم دعوت شد. «مک سنت» که در آن دوران برای کمپانی «کیستون» فیلمهای کمدی می ساخت با دیدن بازی چارلی در نقش «مرد الکلی» او را انتخاب کرده بود.

«من علاقه ای به کمدیهای کیستون نداشتم ولی به عنوان یک وسیله تبلیغ بی به ارزش آنها بردم و دریافت که اگر یک سال در آن رشته کار کنم و شناخته بشوم می توانم به عنوان یک ستاره ی بین المللی به عالم تئاتر بازگردم. از این گذشته مفهوم این پیشنهاد زندگی نو و محیطی شادی آفرین بود.»

به این ترتیب شخصیت «ولگرد کوچک» خلق شد. مردی با کلاه لبه دار، کفش های بزرگ، شلوار بلند و کشاده، کت تنگ و عصایی کوچک که به خودی خود مضحک بود.

«از شخصیت بازی هیچ گونه آگاهی نداشتم. ولی از آن دم که لباس کدایی را به تن کردم، آن لباس و گرم مرا واداشت که احساس کنم آنچه باید باشم هستم. اندک، اندک شخصیت بازی را شناختم و وقتی پا بر صحنه گذاشتم او به تمام و کمال زاده شده بود.»

سال ۱۹۲۲ منتقدی درباره ی چاپلین و تیپ «ولگرد کوچک» نوشت: «این مرد مست از هشیاری، بر قلعه های نومیدی می رقصد. هر یک از پاهایش، این همه دردناک و این همه مضحک، یکی از دو قطب روح است. یکی دانش نام دارد و دیگری شور و اشتیاق. با هر جست از یکی به دیگری کانون جاذبه ی روح را جست و جو می کند که ما به محض آن که آن را می یابیم فوراً دوباره از دست می دهیم.»

چارلی طی یک سال که در کمپانی «کیستون» مشغول کار بود در سی و پنج فیلم ظاهر شد. او توانست تماشاگران و منتقدان را تحت تاثیر نبوغ و

استعداد خود قرار دهد، وی که با کمندی سبک «سنت» موافق نبود، پانتومیم و شخصیت‌پردازی خاص خود را در کمندی ترجیح می‌داد، به همین دلیل از هر فرصتی برای آموختن اصول و قواعد کارگردانی فیلم استفاده کرد، تا اینکه پس از بازی در دوازدهمین فیلمش اجازه یافت خود نویسنده‌گی و کارگردانی فیلم‌هایش را به عهده داشته باشد. «مک‌سنت» در این باره می‌گوید: «شبهای متوالی او آخرین هنرپیشه‌ای بود که استودیو را ترک می‌کرد. در آن جا می‌ماند تا تمرین و نمایش دسته‌های دیگر را تماشا کند. هرچیز را به سرعت یاد می‌گرفت. او هنرجوی قابل‌بود.»

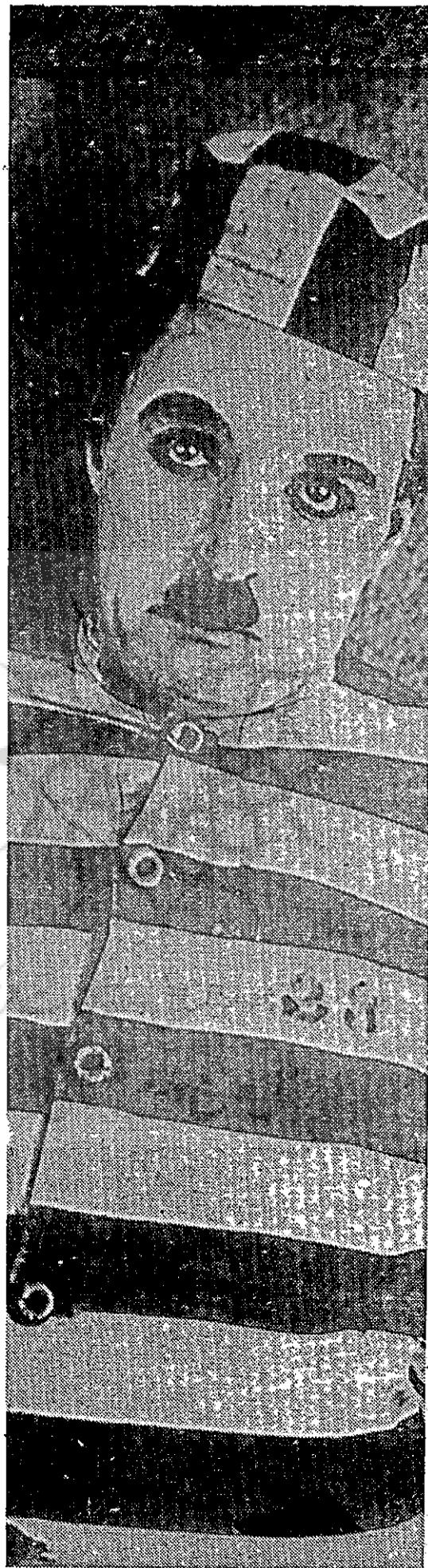
«من از کیستون خیلی چیزها یاد گرفتم و خیلی چیزها هم به ایشان یاد دادم. اکنون به فکرها و نظره‌های خودم اعتماد داشتم و می‌توانستم از این بابت از «سنت» متشکر باشم.»

یکی از منتقدین در بررسی سیر فیلم‌سازی چارلی می‌نویسد: «چاپلین در آغاز ۱۹۱۴ به صورت یک فرد گمنام نزد مک‌سنت آمد و پیش از پایان سال به عنوان یک «ستاره» او را ترک گفت.»

در سال ۱۹۱۵ چارلی به کمپانی «اسانی» می‌رود و در آن‌جا چهارده فیلم می‌سازد. او این موفقیت را به دست آورد تا با «رالی توترو» فیلمبردار بیشتر آثارش و ادنا پروایانس بازیگر محبوبش آشنا شود و همکاری نماید. طی این دوره یک ساله چاپلین به پرورش شخصیت «ولنگرد کوچک» پرداخت و علائق خود را در زمینه‌ی کمندی پالایش داد. «انو پاتالاس» منتقد و مورخ سینما درباره‌ی این دوره از زندگی چارلی می‌نویسد: در فیلمهایی که چارلی برای «اسانی» ساخت نشانه‌هایی از خصیلت «چارلی» به روشنی دیده می‌شود. چارلی در نبردی سرسختانه با حقاترتهای دنیوی (ولنگرد)، به یک فردگرا بدل می‌گردد... او دوباره کنایه‌های روشنی به وقایع دوران می‌زند. وی از این پس همه‌ی توجه خود را مجدداً معطوف به کار روی حالت‌های خنده‌دار و حوادث نشاط‌انگیز به سبک «سنت» می‌کند. یکی از ویژگیهای تکمیلی چاپلین - که تا دوران پیری‌اش نیز به همان شکل ادامه یافت - این است که تکامل او نه در امتداد یک خط راست، بلکه در جهات مختلف و متنوعی صورت گرفت و پیش رفت. در ۱۹۱۶ چارلی «اسانی» را ترک کرده و به کمپانی «میوچوال» می‌رود.

«گمان می‌کنم اجرای قرارداد میوچوال نشاط‌انگیزترین دوره کارم بود. چشم‌اندازهای افسانه‌ای و جهانی سرشار از دوستی و فریبندگی در پیش رویم گسترده بود، در مدتی کوتاه میلیون می‌شدم.»

چارلی در محل جدید علاوه بر دستمزد بیشتر به پیشرفتهای هنری چشمگیرتری نیز دست یافت. او توانست طی دو سال دوازده فیلم بسازد که از نظر



ذوق کمندی، تفسیر اجتماعی و تاثیر روانی قابل توجه‌اند. حالا دیگر او شهرت و محبوبیت بسیاری کسب کرده بود و برای چند سالی «ولنگرد کوچک» ساخته و پرداخته‌ی چارلی آشنا‌ترین شخصیت سینمایی در دنیا و چاپلین مشهورترین بازیگر جهان بود.

در سال ۱۹۱۸ چارلی قراردادی با کمپانی «فرست نیشنال» برای ساخت هشت فیلم ظرف هجده ماه منعقد ساخت. عقد این قرارداد زمینه مالی مناسبی را برای او فراهم ساخت تا استودیوی تولید فیلم خود را بنا کند. پس از یک سال به اتفاق «مری پیکفورد»، «داگلاس فربنکس»، «دی. دبلیو گریفیث» کمپانی «یونایتد آرتیستر» را بنیان‌گذاری کردند و در آن‌جا به تولید و پخش فیلمهای خود پرداختند.

چارلی همه‌ی فیلمهای خود را از سال ۱۹۲۳ تا سالی که مجبور به ترک امریکا شد، برای همین شرکت ساخت. دوران همکاری با «یونایتد آرتیستر» او را قادر به ساختن فیلمهای بلند داستانی یا ساختمان شاعرانه و ترکیبی از کمپلی - تراژدی، انتقاد اجتماعی و احساسی کرد. با ظهور سینمای ناطق و گرایش تولیدکنندگان فیلم به آن، چارلی همچنان به سینمای صامت وفادار ماند. فیلم صامت مطلوب، جاذبه‌ی عام داشت هم برای روشنفکرها و هم برای عامه‌ی مردم.

«اما انگار بنا بود همه چیز از دست برود. ولی من تصمیم گرفتم به ساختن فیلمهای صامت ادامه دهم، چون معتقد بودم در آن‌ها برای هر نوع تفریح و سرگرمی جا وجود دارد. از اینها گذشته، من بازیگر پانتومیم بودم و در این رسانه بی‌همتا و بدون فروتنی کاذب، یک پا استاد.»

«انو پاتالاس» در این باره می‌نویسد: «در میان بزرگان سینمای صامت امریکا، چاپلین تنها کسی بود که از مرز آن عبور کرد و به سینمای ناطق رسید، بی‌آن که به توانایی هنری و استقلال او صدمه‌ای وارد شود. با آن که چاپلین همچنان به زیبایی‌شناسی سینمای صامت وفادار مانده بود، فیلم‌های او، نسبت به کارگردانان جوان آن روزگار، کهنه نمی‌نمایند، زیرا او در این فیلم‌ها - با آن که منعکس‌کننده روح آن دوران‌اند - همچنان به فردیت از شد افتاده خود وفادار مانده و اسیر نیازهای تبلیغاتی روز نگشته است.»

از سال ۱۹۴۵ چارلی همواره به دلیل پاره‌ای از مسائل خصوصی و سیاسی، مورد انتقاد روزنامه‌نگاران و سیاستمداران قرار گرفت. یکی از ستاتوره‌های امریکایی او را بینگانه‌ای که اخلاق غیرقابل‌تحملی دارد توصیف کرد و دیگری او را کمونیست و دروغگو نامید. در ۱۹۵۱ کمیته «تحقیق فعالیت‌های ضد امریکایی» درباره‌ی چاپلین به تحقیق پرداخت. هرچند او هرگز از طرف آن کمیته برای شهادت احضار نشد اما فیلم‌هایش از



### فیلم شناسی:

#### ۱۹۱۴ فیلمهای کمپانی «کیستون»

که چارلی علاوه بر بازیگری، تعدادی از آنها را نیز کارگردانی کرده است. «فرانک ویلیامز» (فیلمبردار)، «میل نورماند»، «هری مک کوی»، «الیس دیونپورت»، «چستر کانکلین»، «میتا درفی»، «الیس هاول» به عنوان بازیگر، تقریباً در تمامی این فیلمها با او همکاری داشته‌اند.

امرار معاش - مسابقه اتومبیل رانی بچه‌ها - ماجرای عجیب میبل - در وسط رگبار - جانی فیلم - تانگوی پیچیده - گذشته مطلوب - عشق بی رحم، بی رحم - سمت راست کشتی - میبل پشت فرمان - بیست دقیقه عشق - گرفتاری در کاباره - گرفتار باران - روز پرکاری - دوست راهزن - ضربه فنی - روز پرکاری میبل - زندگی زناشویی میبل - گاز خنده آور - مسئول اسباب نمایش - صورتی بر کف میخانه - تفریح - لوده نقابدار - شغل جدید - گوی بازها - سرایدار - دردهای عشق - خمیر و دینامیت - مردان خونسرد - شغل خوانندگی - میعادگاه - عشق پنجر شده تیلی - آشنایی - گذشته ما قبل تاریخ.

#### ۱۹۱۵ فیلمهای کمپانی «اسانی»

##### ● شغل جدید

بازیگران: چاپلین، بن تورین، شارلوت مینو، لیو وایت، آلکس آیزر، گلوریا سوانسون.

نخستین فیلم چارلی در «اسانی» که وقایع آن در یک استودیوی فیلمبرداری می‌گذرد. چاپلین به عنوان یک شاگرد نجار مشغول کار می‌شود و همه رشته‌های ستاره‌ی فیلم و کارگردان آن را پنه می‌کند.

یک شب تفریح - قهرمان - در باغ ملی - فرار پنج سنتی - ونگرد - لب دریا - کار - یک زن - باتک - شبی در نمایش.

##### ● آدم‌دزدی

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، وسلی راگلز، جان رند، لیو وایت، بیلی آرسترانگ.

یکی از بهترین فیلمهای چاپلین است که برای اسانی تهیه کرد و در آن چارلی دزدیده می‌شود و به عنوان کمک آشپز در کشتی کار می‌کند و در دریای توفانی در حمل سینی غذا دچار مشکل می‌شود. کمی بعد متوجه می‌شود که دختر صاحب کشتی مسافر قاچاقی است و نقشی نابودی کشتی را به خاطر دریافت بیمه خشتی می‌کند.

کارمن - پاسبان

#### ۱۹۱۶-۱۷ فیلمهای تولیدشده در کمپانی میوچوال

##### ● پادوی فروشگاه

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، اریک کمپیل، لوید بیکن، آلبرت آوستین، لیو وایت.

نخستین فیلم چارلی برای «میوچوال» که در آن موضوع نمایش حول و حوش یک پله برقی فروشگاه‌ی بزرگ دور می‌زند و چارلی توانست به عنوان زمینه‌ی اصلی کمدی خود به خوبی از آن استفاده کند.

##### ● آتش نشان

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، اریک کمپیل، لوید بیکن، لیو وایت، جان رند.

در این فیلم چارلی در نقش یک مامور آتش نشانی ظاهر می‌شود و در یک ماموریت جان دختری را نجات می‌دهد و محبت او را جلب می‌کند. «آتش نشان» با شوخیها و نمایش‌های خیره کننده‌اش موفقیت چشمگیری به همراه داشت.

سوی گروهای دست راستی بایکوت شد. در آن زمان چارلی سفری به اروپا کرد و در مراجعت، دولت آمریکا به او اجازه ورود به خاک آمریکا را نداد.

«گناه کبیره» من این بوده است که هم رنگ جماعت نشدم. با این که کمونیست نیستم، به ورطه این خط فکری سقوط نکردم که بلند شوم و از آنها ابراز تنفر کنم. من هیچ وقت نخواستم شهروند آمریکا شوم. من در فضایی که پر از دارو دسته‌های نیرومند و دولت مردان نامری بود دشمنی ملتی را دامن زدم و از بد حادثه حلقه آنان را نیز از دست دادم».

چارلی به همراه خانواده‌اش به سوئیس رفت و در همان جا اقامت گزید و تا بیست سال بعد، به آمریکا بازنگشت. به این ترتیب چارلی در سوئیس مقیم شد و تا پایان عمرش تنها دو فیلم کمدی دیگر ساخت.

«گمان می‌کنم روزگار با من یار و همراه بوده است. من در عواطف جهانی پرورده شدم، در محبت و نفرت. آری، جهان بهترین و کمی هم از بدترین عواطفش را به من ارزانی داشته است. حوادث ناخوشایند زندگی من هر چه بوده بر این باورم که خوشبینی و بدبختی ممکن است برای هر کسی پیش آید. با درک این موضوع چندان از حوادث ناخوشایند یکه نمی‌خویم و از حوادث خوش، با حالتی مطبوع در شگفت نمی‌مانیم».

چارلز چاپلین در آستانه‌ی سال نو ۱۹۷۷ در گرماگرم جشن و سرور درگذشت. «مارسل اومس» در پایان مقاله‌ای می‌نویسد: آدم و سوسه می‌شود که برای آخرین خروج‌اش از صحنه، فیلمنامه‌ای بنویسد... در شبی پر برف، باد در میان در و پنجره‌های چوبی کلبه‌ای در لبه پرتگاه زوزه می‌کشد، بر همه چیز گرد فراموشی نشسته است. آخرین هیزم خاکستر می‌شود. چارلی خودش را در کفش می‌پیچد، شانه‌ای تکان می‌دهد، پاشنه‌هایش را به زمین می‌کوبد و با حرکات سنگین اردک وارش جهان را بدزود می‌گوید.

# THE END



### ● ولگرد

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، لیو وایت، باد جامیس، لوئید بیکن، پدی مک گوایر، بیلی آرمسترانگ.  
مرد ولگردی (چارلی) دختر مزرعه‌داری را از چنگ راهزنان نجات می‌دهد و سپس در مزرعه پدر دختر مشغول کار می‌شود. او به دختر علاقه‌مند می‌شود اما با ورود جوانی خوش‌سینما، با غم و غصه مزرعه را ترک می‌کند. یکی از نخستین کارهای چاپلین که صحنه‌های مستقیم دراماتیک را در میان شیرین‌کاریهایش گنجانده است. صحنه پایانی فیلم که چارلی پشت به دوربین با اندوه در جاده دور می‌تود، فراموش‌نشده است.

### ● ساعت یک نیمه‌شب

اثر برجسته‌ای که در آن چاپلین به تنهایی نزدیک به ۳۰ دقیقه پانتومیم بازی می‌کند و کار او کاملاً منطبق بر سنت موزیک هالهای انگلیسی است.

### ● بنگاه کارگشایی

بازیگران: چاپلین، آلبرت آوستین، ادنا پروایانس، هنری برگمن.  
چارلی کارگر یک امانت‌فروشی است. او که به دختر صاحب‌مغازه علاقه‌مند است توطئه سرقت از فروشگاه را نقش بر آب می‌سازد. این فیلم از سوی منتقدین به عنوان اولین شاهکار چارلی شناخته شده است.

### ● سرسره‌بازی

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، اریک کمپبل، جیمز تی. کلی، آلبرت آوستین، هنری برگمن، جان رند.  
چارلی در نقش پیشخدمت یک رستوران وقت ناهارش را در یک پیست اسکیت می‌گذراند. وی به دختری علاقه‌مند می‌شود و از آنجا که رقیبی درشت هیکل پیدا می‌کند او را به زمین می‌اندازد و می‌گریزد، اما خود او نیز می‌لغزد و زمین می‌خورد. مهارت چارلی چاپلین برای شوخیهای کاملاً بصری در این فیلم به اوج تازه‌ای رسید. منتقدی فیلم را به یک باله تشبیه کرده است.

### ● خیابان آرام

فیلمبردار: رالی توترو، ویلیام سی. فاستر.  
بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، اریک کمپبل، آلبرت آوستین، جیمز تی. کلی.  
چارلی تنها، پسرزنان به یک میسیون مذهبی می‌رود و در آن جا توسط یک کشیش اصلاح می‌شود. سپس به استخدام پلیس درمی‌آید و در یک محله پرجمعیت و کثیف مشغول خدمت می‌گردد. چارلی با گردن کلفت غول‌پیکر محله درگیر شده و او را مغلوب می‌کند.  
یکی از بهترین فیلمهای کوتاه چاپلین، فیلمی سرشار از طنز گزرنده‌ی اجتماعی که حوادث آن در محله‌های پست شبیه محله‌هایی که او در کودکی اش در لندن می‌شناخت، می‌گذرد. طعنه‌ها و ابعاد اجتماعی این فیلم از توانایی وسیع چارلی در زمینه کمدی خیر می‌دهد. فیلم مفهوم عمیق شرایط انسانی بدبخت را القاء می‌کند، اگرچه این مفهوم با زیرکی پهریسخند کشیده می‌شود.

### ● مهاجر

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، آلبرت آوستین، اریک کمپبل، هنری برگمن، استلی سنفورد.  
در کشتی مهاجرانی که به آمریکا می‌روند چارلی با دختر زیبایی آشنا می‌شود. وقتی به نیویورک می‌رسند، چارلی کاری پیدا نمی‌کند، اما دختر را به صرف غذا دعوت می‌کند و سعی می‌کند پول غذا را با سکه تقلبی بپردازد. عساکرت توسط هنرمندی نجات می‌یابد. «مهاجر» در حقیقت ماهیت اتوبیوگرافی (زندگی‌نامه‌ای خودنوشته) دارد و انتقادات مطرح‌شده در آن به‌صراحت دیده می‌شود.

### ● ماجراجو

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، آلبرت آوستین، هنری برگمن، اریک کمپبل.  
چارلی، محکوم فراری دو زن ثروتمند را از غرق شدن نجات می‌دهد و به‌خانه‌ی آنها دعوت می‌شود. وی از دختر خانه خواستگاری می‌کند، اما توسط خواستگار دیگر شناخته شده و می‌گریزد.  
آخرین و بهترین فیلم از مجموعه آثار کمپانی «میوچوال» که چاپلین ساخت.

### فیلم‌های تولیدشده در کمپانی فرست نشنال

#### ۱۹۱۸-۲۳ ● زندگی سگی

فیلمبردار: رالی توترو.

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، چاک رایزنر، هنری برگمن، آلبرت آوستین، تام ویلسون، سیدنی چاپلین، بیلی وایت.  
چارلی در نقش ولگردی تنها زندگی محقرانه‌ای دارد. او همواره مورد سوءظن پلیسها است و همیشه از دست آنها می‌گریزد، با سگی دوست می‌شود و عاقبت عاشق یک خواننده‌ی ناموفق می‌شود. چارلی در این فیلم برای نخستین بار جانوری را به‌عنوان همبازی برمی‌گزیند: یک «سگ». او با رفیق خود احساس همبستگی می‌کند و از نشانه‌ی علاقه خود نسبت به او رضایت دارد. «لویی دلوک» منتقد سینما درباره‌ی «زندگی سگی» می‌نویسد: اولین اثر هنری کاملی که سینما به‌وجود آورده است.

#### ● دوش فنک

فیلمبردار: رالی توترو.

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، سیدنی چاپلین، جک ویلسون، هنری برگمن، آلبر آوستین.  
چارلی در نقش یک سرباز جنگ جهانی اول در رویای شیرین خود چنین می‌بیند: یک دختر فرانسوی را از مرگ نجات داده، قیصر، ولیعهد و ژنرال آلمانی را اسیر می‌کند و تک و تنها جریان جنگ را تغییر می‌دهد.  
چاپلین ابتدا قصد داشت فیلمی پنج‌حلقه‌ای تهیه کند اما «فرست نشنال» به‌بعضی از صحنه‌های جنجال‌برانگیزش ایراد گرفت، حتی با وجود این حذفها، کمپانی از «طعم تلخ» فیلم نگران بود و سرانجام با اندکی ترس و لرز، پس از اعلام متارکه جنگ، آن را به‌نمایش گذاشت. محبوبیت فیلم استثنایی بود و از نظر برخی منتقدین هنوز هم شاهکار چاپلین به‌شمار می‌رود.

#### ● طرف آفتابگیر

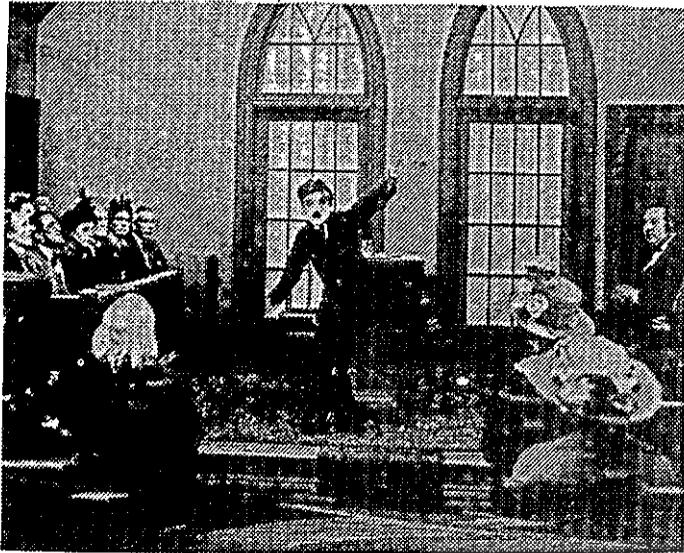
فیلمبردار: رالی توترو.

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، تام ویلسون، آلبرت آوستین.  
چارلی کارگر روزمزد مهمانخانه‌ای بی‌پول است که متعلق به مردی سختگیر است. از بامداد تا نیمه‌شب کار می‌کند و تنها دلخوشی او عشق به «ویلیج بل» است. مرد دغلبازی به‌شهر وارد می‌شود و دل محبوبش را به‌دست می‌آورد، اما چارلی سرانجام بر او غلبه می‌کند. کار کارگردانی چاپلین از این نقطه به‌بعد بسیار بااحتیاط بود و تمایل او به‌انتقاد اجتماعی آشکارا رشد یافت. این فیلم در فرانسه به‌عنوان شاهکار با استقبال عظیمی روبه‌رو شد. اما در آمریکا موفقیتی به‌دست نیاورد.

#### ● پسر بچه

فیلمبردار: رالی توترو.

بازیگران: چاپلین، جکی گوگان، ادنا پروایانس، کارل میلر، تام ویلسون، چاک رایزنر، لیتاگری.  
چارلی کودکی را پیدا می‌کند و تصمیم می‌گیرد که خود بزرگش کند. پسرک با پرتاب سنگ، شیشه‌ی پنجره‌ها را برای ناپدریش می‌شکند و بلافاصله چارلی به‌عنوان «شیشه‌بر دوره‌گرد» ظاهر می‌شود و پنجره‌ها را شیشه



یک محکوم فراری (چارلی) پس از آن که لباس یک کشیش را می‌دزدد وارد شهر کوچکی در تگزاس شده، مردم او را با کشیش جدید اشتباه می‌گیرند. او در خانه‌ی یک مادر و دختر زندگی می‌کند. یکی از هم‌بستولی‌های سابقش سر می‌رسد و پول رهتی مادر را می‌دزدد. چهره‌ی واقعی چارلی هنگامی که می‌کوشد پول دزدی را تأمین کند شناخته می‌شود. کلاتر او را دستگیر می‌کند، اما مرز مکزیک آزادش می‌کند.

### ۶۷-۱۹۲۳ فیلم‌های کمپانی یونایتد آرتیستز

#### ● زن پارسی

فیلمبردار: رالی توترو، جک ویلسون.

طراح صحنه: آرتو استیولت.

بازیگران: ادنا پروایانس، آدولف منجو، کارل میلر، لیدیا نات، چارلز فرنچ، بتی مورس.

فیلم داستان مردی است که در پی زنان ثروتمند و نجیب‌زاده‌است و پس از تسلط بر آنان رهایشان می‌کند. چاپلین درباره‌ی این فیلم می‌گوید: «من به‌ساده‌ترین شیوه‌ی ممکن به‌موضوع نزدیک شدم، از تاکید یا تکیه کردن سرنواز زدم و آگاهانه کوشیدم تا هرچه را ممکن باشد از طریق اشاره نشان دهم... فیلم من موفقیت منتظره را کسب نکرد زیرا که پایان آن انسان را بدون امید رها می‌کند». فیلم از لحاظ سبک فوق‌العاده ساده است، از ایجازی کلاسیک برخوردار است و از اثرات تصویری در آن خبری نیست. تنها فیلم «چاپلین» است که خود او در آن نقش اول را ندارد و توانست از آدولف منجو یک ستاره بسازد.

#### ● جویندگان طلا

فیلمبردار: رالی توترو، جک ویلسون.

بازیگران: چارلز چاپلین، مک سوین، تام موری، جورجیا هیل، هنری برگمن، بتی ماریسی.

در سال ۱۸۹۸ در «کلون دایک»، چارلی یک جوینده طلا، به‌وسیله جیم غول‌پیکر از دست مرد بدجنسی به‌نام لارسن نجات پیدا می‌کند. بعد از این واقعه آنها با هم دوست می‌شوند و در جستجوی طلا به کوهستان‌های پربرف می‌روند. در یک کلبه‌ی دورافتاده زندگی می‌کنند و بعد از حوادثی که برای آن‌ها اتفاق می‌افتد یک معدن طلا کشف می‌کنند و به‌ثروت می‌رسند.

می‌اندازد. سرانجام مادر کودک پیدا می‌شود و مقامات شهر سعی می‌کنند کودک را به مادرش بازگردانند، اما چارلی و پسر از دستشان فرار می‌کنند. مالک نوانخانه‌ای به‌امید پاداش پسر را می‌ریاید. پاسپانی چارلی را از خواب رویایی بیدار می‌کند و نزد مادر پسر می‌برد.

اولین فیلم بلند چاپلین که یادآور زندگی سخت و پرمشقت دوران کودکی وی می‌باشد و اطاقی که چارلی و پسرک در آن زندگی می‌کنند براساس خاطرات کودکی خود چارلی طراحی و ساخته شده است.

«پسرچه» ترکیبی از درام و کمدی است و سرشار از لحظه‌های لطیف و شاعرانه همراه با شوخی‌های بدیع. «انو پاتالاس» درباره‌ی این فیلم می‌نویسد: چاپلین با فیلم «پسرچه» دوباره به‌همان جهتی که در فیلم «زندگی سگی» رفته بود، روی آورد. اگر چارلی در آنجا سگی را به‌عنوان شریک زندگی داشت، در این جا برای نخستین بار شریک زندگی او یک انسان بود: «جکی کوچولو». بصیرت اجتماعی «چاپلین» و گرایش و دلبستگی او به طبقه‌ی محروم در مقایسه با فیلمهای گذشته وی ژرفای بیشتری می‌یابد. واکنش چاپلین نشانه عصیان است. با عمیق شدن در انتقاد اجتماعی و موشکافی در شخصیتها، دنیای مصنوعی و خشک فیلمهای گذشته به‌تدریج مخو می‌شود و نمایش سطحی محیط، جای خود را به‌شناختی کنجکاوانه می‌سپارد. جکی کوگان کودک پنج ساله فیلم بازی گیرا و جالب توجهی را ارائه می‌دهد. این فیلم همان‌طور که در آمریکا با موفقیت بسیاری روبه‌رو شد در اروپا نیز مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

#### ● روز پرداخت

فیلمبردار: رالی توترو.

بازیگران: چاپلین، فیلیس آلن، مک سوین، ادنا پروایانس، سیدنی

چاپلین، آلن گارسیا.

آخرین فیلم کوتاه چارلی که در نقش یک کارگر ساختمانی ظاهر می‌شود و می‌کوشد در آمد خود را از همسرش پنهان نماید. شب را با دوستان خود می‌گذرانند و در بازگشت به‌خانه توسط همسرش از خانه بیرون رانده می‌شود.

#### ● زایر

فیلمبردار: رالی توترو.

بازیگران: چاپلین، ادنا پروایانس، کیتی برادبری، مک سوین، تام موری،

سیدنی چاپلین.

«جویندگان طلا» اثر برجسته، جاودان و کاملترین فیلم چاپلین است. خود او این فیلم را «انجام تمام و کمال وظیفه‌ی خویش» تلقی می‌کرد و امیدوار بود که به‌دلیل آن در یادها بماند. چاپلین بر مبنای موضوعی سنتی تلاش انسانها را برای بنای تمدن بر سرزمینی غیرمسکونی و رام‌نشده تصویر می‌کند. مضامین بر این فیلم مصداق کامیابی و موفقیت آمریکایی است که آن روزها دوران طلایی‌اش را می‌گذراند. جذبه‌ی عمومی کم‌دی شخصیت‌های آن، این اثر را با توفیق جهانی روبه‌رو ساخت. چاپلین این فیلم را در سال ۱۹۲۲ مجدداً تدوین کرد و آن را همراه با گفتار متن و موسیقی به‌نمایش گذاشت.

#### ● سیرک

فیلمبردار: رالی توترو، جک ویلسون و مارک مارلوت.  
بازیگران: چاپلین، آلن گارسیا، مرنا کندی، بتی موریس، هری کراکر، هنری برگمن.  
ولگردی که از جنگال پلیس می‌گریزد، در سیرکی پنهان می‌شود و در آن‌جا به فکر دلقک شدن می‌افتد. او عاشق دختر سوارکاری می‌شود و به‌دلیل حمایت از او اخراج می‌شود. از سوی دختر به‌جوان بندبازی علاقه‌مند است که سرانجام با او ازدواج می‌کند و ولگرد تنها می‌ماند.  
«سیرک» مانند «جویندگان طلا» یا «روشنایی شهر» شادکار به‌شمار نمی‌آید، اما فیلمی با ارزش است. یک کمدی شاد با پایانی پدیدماندنی.

#### ● روشنایی‌های شهر

فیلمبردار: رالی توترو، گوردون پولوک، مارک مارلوت.  
بازیگران: چاپلین، ویرجینیا هیل، فلورانس لی، هری مایرز، آلن گارسیا، هنک مان، هنری برگمن.  
موسیقی: چارلی چاپلین.  
مرد بیکاری (چاپلین) به‌یک دختر گلفروش نابینا علاقه‌مند می‌شود. او با مرد میلیونر عجیبی آشنا می‌شود که وقتی مست است آدم بخشنده‌ای است، اما در حالت هوشیاری نیست و دنی می‌شود. برای به‌دست آوردن پول، چارلی نخست رفتگر و سپس مشت‌زن می‌شود و به‌این ترتیب مبلغ زیادی پول فراهم می‌کند تا دختر بتواند عمل کند و بینایی خود را بازیابد و دستگیر می‌شود و هنگام ترک زندان درمی‌یابد که دختر نابینا شفا یافته است.  
چارلی این فیلم را در شرایطی ساخت که سینمای ناطق تازه باب شده بود، با وجود این او تنها از موسیقی و افکهای صوتی استفاده کرد. وی در این فیلم به انتقاد از نظام سرمایه‌داری می‌پردازد و توانست موفقیت بین‌المللی بسیار کسب نماید.

#### ● عصر جدید

فیلمنامه، تدوین و آهنگساز: چاپلین.  
فیلمبردار: رالی توترو، ایرا مورگان.  
طراح صحنه: چارلز هال.  
بازیگران: چاپلین، پولت گودار، چستر کانکلین، استلی سنفورد، آلن گارسیا، هنک مان.

کارگر کارخانه‌ای (چاپلین) بزرگ که در خط تولید کار می‌کند، به‌سبب فشار کار با دستگاه‌ها، تعادل روانی خود را از دست می‌دهد و پس از قیام علیه «ماشین» در پی یافتن کار تازه ناموفق می‌ماند.

«عصر جدید» در زمان خود متهم به تبلیغ برای کمونیستها شد و به‌همین دلیل به‌سردی از آن استقبال شد. چارلی در این فیلم به‌از خودبینگانگی و فقدان خلاقیت ناشی از حرکتهای مکانیکی تولید انبوه حمله می‌کند. گریزی عاشقانه که در آن چارلی و دختر بی‌سرپرست کلیه‌ای خرابه را خانه‌ی خود می‌کنند، روایت غریب اما تکان‌دهنده و گیرا از افسانه‌ی عصر طلایی است که نمی‌تواند چشمان ما را بدروی این واقعیت بیند که حتی این رویا نیز با ما بیگانه شده است. (مارسل اومس)

#### ● دیکتاتور بزرگ

فیلمبردار: رالی توترو، کارل اشتروس.  
طراح صحنه: راسل اسپنسر.  
موسیقی: چاپلین، مردیت ویلسون.  
بازیگران: چارلز چاپلین، پولت گودار، جک اوکی، هنری دنیل، ییلی گیلبرت، رچینالد گاردنر.

آرایشگر یهودی (چاپلین) که در جنگ جهانی اول سرباز بوده و در یک حمله هوایی حافظه خود را از دست داده، هم‌زمان با به‌قدرت رسیدن «هینکل» (چاپلین) در «تومانیا» آن را بازی می‌یابد. در تهاجم دشمن آرایشگاه او به‌آتش کشیده می‌شود و خودش را به‌جرم پنهان کردن یکی از دوستانش دستگیر و به‌اردوگاه اسیران جنگی می‌فرستد. آرایشگر از اردوگاه می‌گریزد اما از آن‌جا که وی شبیه به «هینکل» است او را به‌اشتباه به‌مقر فرماندهی می‌برند. او در برابر چشمان حیرت‌زده‌ی افسران نازی نطق انسانی‌گریزی ایراد می‌کند. چاپلین درباره‌ی این فیلم می‌گوید: «الکساندر کورد» در سال ۱۹۳۷ پیشنهاد کرده بود که من بر پایه‌ی شباهت غلط‌اندازم به‌داستانی از هیتلر بردارم، چون سیل هیتلر عین سیل «ولگرد» بود؛ و می‌گفت که می‌توانم نقش هر دو را بازی کنم. در آن زمان این ایده را جدی نگرفتم ولی اکنون موضوع اصلی بود. ماجرای هیتلر فرصتی بود برای هجوپردازی و پانومیپ. بازی چارلی در نقش دوگانه فوق‌العاده است و او به‌خوبی از





نویسنده فیلمنامه و آهنگساز: چارلز چاپلین، فیلمبردار: ژرژ پرینال. بازیگران: چاپلین، داون آدامز، ماکسین آدلی، اولیور جانستون، جری دزمووند، مایکل چاپلین. سلطان شاهدوف (چاپلین) که به علت بروز انقلاب از کشورش فراری شده به ایالات متحده آمریکا پناهنده می‌شود. عاملی تبلیغاتی (آدامز) راهنمایی‌اش می‌کند که به ساختن فیلمهای تبلیغاتی بپردازد؛ او به کمونیست بودن مظنون می‌شود و به دادگاه کمیته فعالیت‌های آمریکایی احضار می‌شود و با بازگشتش به اروپا ختم می‌شود.

چاپلین پس از اینکه نتوانست به آمریکا بازگردد ناچار در اروپا اقامت گزید و فیلم «سلطانی در نیویورک» را در انگلستان ساخت. چارلی در قالب شخصیت «شاهدوف» بخشی از زندگی خود را بیان می‌کند و در چند صحنه انگشت شمار به شیوهی فیلمهای صامت خود، موضوعاتی را به‌ریشخند می‌گیرد. اما این گونه صحنه‌ها به‌طور مجزا در داستانی احساساتی قرار داده شده‌اند که دارای خطابه‌های سطحی درباره‌ی آزادی، صلح، جنگ و نیروی اتمی است. در این جا باز دیگر فلسفه «چاپلین»، استعداد طنزپردازی او را به‌عقب می‌راند. (انو پاتالاس)

#### ● کنتسی از هنگ‌کنگ

نویسنده فیلمنامه و آهنگساز: چارلز چاپلین.

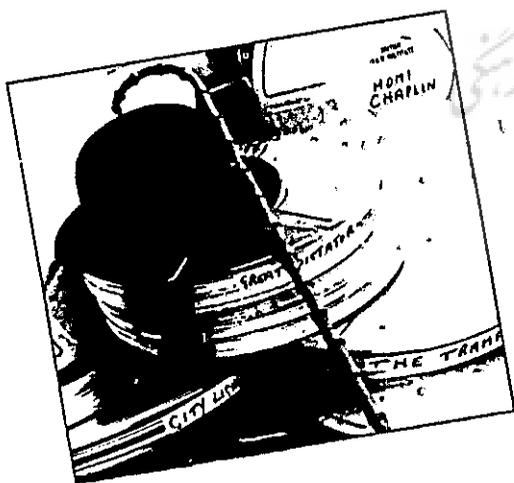
فیلمبردار: آرتور ایبسون.

تدوین: گوردون هالز.

بازیگران: سوفیا لورن، مارلون براندو، سیدنی چارلین و چارلز چاپلین، پاتریک کارگیل.

نامزد مهاجر روس یک سیاستمدار ثروتمند آمریکا مخفیانه و بدون گذرنامه سوار کشتی حامل او می‌شود و زمانی که در هاوایی همسر مرد نیز به‌مسافران کشتی می‌پیوندد، اوضاع پیچیده‌تر می‌شود. آخرین فیلم چارلی چاپلین که خود او نیز نقش کوتاهی در آن داشت، یک ملودرام ساده بود که از شوخیها و مفاهیم همیشگی آثارش چیزی به‌چشم نمی‌خورد.

\* \* \*



برای نگارش این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- فرهنگ فیلم‌های ژرژ سادول، ترجمه‌های غبرایی، تهران ۱۳۶۷.
- ۲- فرهنگ فیلم و ویدئو، لئو نارد مالین، آمریکا ۱۹۹۶.
- ۳- تاریخ سینمای هنری، انو پاتالاس، اولریش گرگور، ترجمه: مرحوم هوشنگ طاهری، تهران ۱۳۶۸.
- ۴- سرگذشت سینما، فرانک یوجین بیور، ترجمه بهروز تورانی، تهران ۱۳۶۷.
- ۵- سرگذشت من، چارلز اسپنسر چاپلین، ترجمه‌های محمد قاضی، چشید نوایی.
- ۶- نشریه پیام یونسکو، شماره ۲۳۳ آبان ۱۳۶۸.

عده‌ی آن برآمده است. هینکل ترکیبی است از ناپلئون و نیرینکسی است، شخصیتی تراژیک و دیگری کمیک.

«... شما! مردم قدرت آن را دارید که زندگی آزاد و زیبایی برای خود بسازید - ساختن این زندگی کاری است شگفت‌انگیز. پس به نام دموکراسی - بیاید از این قدرت سود جویم، بیاید متحد شویم. بیاید در راه دنیایی نو مبارزه کنیم - دنیایی که به‌انسانها امکان کار کردن می‌دهد - دنیایی که به‌جوانان آینده‌ای امیدبخش و به‌سالمدان امنیت و آسایش می‌بخشد.» (قسمتی از سخنرانی پایان فیلم دیکتاتور بزرگ)

#### ● مسیو وردو

نویسنده فیلمنامه: چارلز چاپلین، براساس طرحی از اوسن ولز.

فیلمبرداران: کورت کوران، رالی توترو، والاس چوینگ.

طراح صحنه: جان بکمن.

تدوین: ویلارد نیکو.

بازیگران: چاپلین، مدی کورل، آلیسون رودن، مارتا ری، مارگارت هافمن، آلمیرا ستنز، آدری بیتس.

«مسیو وردو» (چاپلین) که مدت سی سال به‌شغل کارمندی بانک اشتغال داشت، طی دوران بحران اخراج می‌شود. وی که نمی‌تواند کار شرافتمندانه‌ای گیر بیاورد به‌ازدواج با زنان ثروتمند می‌پردازد و از این راه ثروتشان را به‌چنگ می‌آورد، آن‌ها را می‌کشد و سپس نزد همسر اقلیج خود که ظنی به‌او نمی‌برد بازمی‌گردد. وقتی همسر و پسرش می‌میرند، «وردو» دستگیر می‌شود و شجاعانه محکومیت مرگ را می‌پذیرد.

«معتقدم مسیو وردو هشیارانه‌ترین و تابناک‌ترین فیلمی است که من تاکنون ساخته‌ام» (چارلی). «مسیو وردو» یک کمدی سیاه و ستیزه‌جویانه است. ترکیبی از شوخیهای پیچیده و احساسات صلح‌طلبانه. بخش فیلم در آمریکا مصادف بود با شروع دوران تعقیب و محاکمه «مک کارتیس» که در نتیجه آن فیلم با شکست کامل روبه‌رو شد. چاپلین پس از دو سال مایوس‌کننده از بخش فیلم صرف‌نظر کرد، اما در اروپا، فیلم با استقبال عظیم مردم روبه‌رو شد، به‌ویژه در پاریس که استقبال بسیار بود.

#### ● روشنایی‌های صحنه

نویسنده فیلمنامه و آهنگساز: چاپلین.

فیلمبردار: رالی توترو، کارل اشتروس.

طراح صحنه: اوژن لوریه.

بازیگران: چاپلین، کلم بلوم، باستر کیتون، سیدنی چاپلین، تایچل بروس،

مارجوری بنت.

کالورو (چاپلین) که روزگاری کمدین بزرگی بوده است، توانایی‌اش را در خنداندن مردم از دست داده است. او مانع از آن می‌شود که رقصنده‌ای جوان (بلوم) خودکشی کند، و به‌او اعتماد به‌نفس می‌دهد. دختر ستاره‌ای مشهور می‌شود و کالورو ترکش می‌گوید، هنگامی که دختر پیدایش می‌کند، کالورو موافقت می‌کند که به‌همراه او در نمایشی که به‌منظور جمع‌آوری اعانه برپا می‌شود شرکت کند. بازی کالورو موفقیت‌آمیز است، اما در پشت صحنه می‌میرد.

داستانی خیال‌انگیز و پراحساس از دوران پیری شخصیتی ساده که چاپلین نقش آن را به‌خوبی بازی می‌کرد و درواقع تا اندازه‌ای زندگی خود چاپلین است. اوج فیلم مرگ و تولد دوباره است. زمان کوتاه زندگی آگاهانه‌ی بشر درمقابل لایتمای بودن و عالم هستی قرار می‌گیرد. مردی که خود روزگاری کمدین بزرگی بوده است مشعل را به‌بالرین جوانی می‌سپارد. به‌این ترتیب با فروتنی چون برگی زرد فرومی‌افتد تا زمین آینده را بارور سازد.

#### ● سلطانی در نیویورک